

نگاهی به شاخه های دین پژوهی معاصر

<"xml encoding="UTF-8?">

در دوره جدید، ما شاهد تحول و دگرگونی خاصی در عرصه دین شناسی هستیم که این تحول، موجب گسترش دین پژوهی گردید. یکی از عواملی که در این میان اهمیت افزون تری داشت، اکتشافات جغرافیایی و پویش های قرون شانزدهم و هفدهم بود که انسان غربی را با واقعیت شیوه های دیگر رفتار، اندیشه، و عقیده مواجه کرد و توسعه نظرگاه غرب مدارانه نسبت به طبیعت انسان، فرهنگ و دین را ایجاب کرد. کشف این شیوه ها و ادیان بیگانه که هم زمان با پیش رفت های بزرگ در موزه علوم طبیعی رخ داد، پی آمدهای فکری و فرهنگی داشت، که نتیجه آن پدید آمدن شاخه های جدید و نوظهور در عرصه دین پژوهی شد که در این نوشتار به شناسایی اجمالی هر یک از شاخه های دین پژوهی معاصر می پردازیم.

1. کلام جدید

تصویرها و تلقی های مختلفی از تعریف «کلام» نزد دانش مندان وجود دارد. مؤلف: «هندسه معرفتی کلام جدید»^{*1} به تفصیل از تعاریف دانش کلام بحث کرده و در نهایت سعی دارد تصویر جامع و فراگیر از هویت معرفتی کلام ارائه دهد. مراد از جامع مشترک - به خلاف تصویر رایج از آن - کلی طبیعی و یا مفهوم واحد نیست بلکه همان است که «ویتگنشتاین» آن را مشابهت خانوادگی (resemblancefamily) می نامد.^{*2} بدین ترتیب تصویر واحد و فراگیر از دانش کلام عبارت است از: «کلام، معرفت واسطه ای بین وحی به منزله کلام باری تعالی - آن گونه که در اسلام مطرح است - و ذهن و زبان مخاطبان است که به ترویج، آموزش و عرصه اندیشه و ایمان اسلامی می پردازد.» تصحیح عقاید، توضیح مفاهیم، تبیین نظام مند باورها، اثبات تعالیم و دفع آرای معارض از لوازم این تعریف است.^{*3}

آقای «ملکیان» هم در اقتراح پیرامون علم کلام، مراد خود از تعریف علم کلام چنین بیان می کند: «علم کلام علمی است که در آن کوشش روش مندانه ای می شود، برای این که گزاره های موجود در متون مقدس یک دین و مذهب خاص و نیز پیش فرض ها و لوازم منطقی آن گزاره ها ارائه منظومه وار (systematic)، تفسیر و توجیه شود.»^{*4}

براین اساس وظایف یک متکلم عبارت است از:

(1) تنظیم و تنسيق گزاره های دینی،

(2) تبیین گزاره گزاره های دینی،

(3) دفع شبهات.

پیرامون «کلام جدید» مناقشات فراوانی وجود دارد. پرسش محوری که در این بین مطرح می شود، این است که آیا کلام نوین تفاوتی ماهوی با کلام سابق دارد و به عنوان علمی جدید به شمار می رود، یا آن که پیوند «جدید» صرفاً به وجود مسائل و پرسش های نوین در حوزه اندیشه کلامی اشاره دارد، بی آنکه دلالتی بر ساختار علم کلام و تولد علمی جدید داشته باشد؟

تصویرهای مختلف در رابطه با تجدد کلام جدید را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: در دسته اول کسانی قرار

می گیرند که منکر علمی به نام کلام جدید هستند، بلکه اساساً آن را در ادامه کلام سنتی دانسته اند که در یکی از اضلاع تجدد یافته است.

البته هر یک از این قائلین*5* به این دیدگاه، تقریری مختلف از آن دارند. دسته دوم کسانی هستند که کلام جدید را دانشی کاملاً نوین تلقی کرده که هیچ گونه سنخیتی در موضوع، هدف و هندسه معرفتی با کلام متداول در فرهنگ اسلامی ندارد.*6*

در شکل زیر تلقی های مختلف از کلام جدید بخصوص تلقی دو دیدگاه فوق، به روشنی ترسیم شده است:
دیدگاه های پیرامون کلام جدید:

1. افکار کلام جدید

(علمی به نام کلام جدید نداریم) و کلام فقط در ضلعی از اضلاع تجدد یافته است :

1 - 1. مسائل جدید

2 - 1. محتوا

3 - 1. موضوع (دیدگاه استاد ملکیان)

4 - 1. روش

5 - 1. ابزار و وظایف جدید

2. کلام جدید به مثابه علمی جدید

3. کلام جدید به دلیل انطباق با ذهن و زبان جدید نظام نوینی یافته و در اضلاع مختلف هندسه معرفتی آن تحول رخ داده است. (دیدگاه دکتر قراملکی).

2. فلسفه دین

تعریف های گوناگون از فلسفه دین را می توان به دو تصویر عمده دانست:

1. فلسفه دین «تبیین مفاهیم مختلف فلسفی است که ادیان و اعتقادات دینی مختلف می توانند داشته باشند».*7*

بر این مبنا، فلسفه دین به معنای دفاع فلسفی از اعتقادات دینی است و به عنوان ادامه دهنده نقش و کارکرد الهیات تطبیقی شناخته می گردد.*8*

2. تعریف دومی که از فلسفه دین برداشت شده است، بر مبنای تصویری غالب و رایج نزد فیلسوفان دین است. طبق این تصویر می توان اصطلاح «فلسفه دین» را (در قیاس با اصطلاحاتی نظیر فلسفه علم، فلسفه هنر و غیره) در معنای اخص آن یعنی تفکر فلسفی در باب دین به کار برد. «فلسفه دین تأملی است فلسفی درباره دین».*9*، «فلسفه دین همانا تأملی نقادانه درباره موضوعات فلسفی است که از دین پدید می آید».*10* بنابراین تعریف، فلسفه دین وسیله ای برای آموزش دین نیست «ولا ادیون» و افراد متدین به یک سان می توانند به تفکر فلسفی در باب دین بپردازند؛ از این رو، فلسفه دین شاخه ای از الهیات نیست، بلکه شعبه ای از فلسفه است. برخی از مباحث مهمی که در فلسفه دین مطرح می شود عبارت اند از:

تعریف دین، منشأ دین، براهین اثبات وجود خدا، مسئله شر، مباحث معرفت شناسی دینی، پلورالیزم دینی، زبان دین، علم و دین، گوهر و صدف دین، تجربه دینی و...

تمایز فلسفه دین و کلام جدید

تمایز فلسفه دین - به معنای نخست - از کلام (اعم از قدیم و جدید) تا حدودی روشن است. آنچه به ابهام آمیخته است، تمایز فلسفه دین به معنای دوم است که از چند نظر با کلام تفاوت دارد:

(1) فلسفه دین به عنوان دین شناسی فلسفی، به مطالعه دین از موضعی مستقل و بیرون از دین می پردازد؛ از این رو، فیلسوف دین فرقی نمی کند که متدین به دین باشد یا ملحد؛ به خلاف متکلم که همیشه متدین به دین خاصی است و شأن دینی دارد.

(2) فلسفه دین وسیله ای برای آموزش نیست و موضع مدافع گری و دفاعی از دین ندارد؛ در حالی که کلام وسیله ای برای عرضه و ارائه ایمان دینی و ابزاری برای دفاع از اندیشه های دینی است که متکلم به قصد تبلیغ دین در عصر حاضر آن را به کار می برد.

(3) کلام هویتاً نقش واسطه ای میان وحی و مخاطبان آن را دارد، و این هویت واسطه ای ساختار معرفتی آن را تعیین می بخشد؛ هدف، مسائل، مبانی و روش ها را شکل خاص می دهد و آن را جزء علوم دینی قرار می دهد؛ در حالی که فلسفه دین اگرچه متعلق به دین است، فاقد چنین هویتی است. شأن متکلم از این حیث با شأن فقیه قابل مقایسه است.

وحی، جنس قریب دانش های کلام و فقه است و ممیز آن از دین پژوهی های دینی و غیر دینی است. شأن متکلم بر این مبنا، شأن مبلغ دین است به روش های علمی. و شأن فیلسوف دین با شأن روان شناسی دین، قابل قیاس است.

روان شناسی دین، شأن روان شناسی را دارد و از این رو برای نمونه، با روان شناسی مدیریت و رفتار سازمانی تفاوتی ندارد. این که منطق روان شناسی دین، باورها و رفتارهای دینی است، موجب نمی شود که روان شناسی دین را جزء علوم دینی قلمداد شود و روان شناسان دین هم واسطه میان وحی و بشر تلقی گردد.

(4) در فلسفه دین با گرایش ها و رویکردهایی مواجه هستیم که در دانش کلام اساساً قابل ظهور نیستند، برای مثال «پل ریکور»^{*11} در مقاله «گرایش های عمده در فلسفه دین» به جریان های موجود در فلسفه دین، که تا دهه 1979 (زمان تألیف مقاله) جریان داشته، پرداخته است. وی از میان گرایش های موجود به پنج گرایش عمده اشاره می کند و در درون هر گرایش به جریان های مختلفی که می تواند مورد بررسی قرار گیرد، اشاره کرده است. از میان این پنج گرایش، دو گرایش آن مشرب تحلیلی دارند و سه گرایش مشرب غیر تحلیلی. و فیلسوفان قاره ای بیش تر بدین مشرب ها گرایش دارند به طور اجمال این گرایش ها و رویکردها عبارت اند از:

1. گرایش وجود خداشناسی؛

2. نقد دین در فلسفه تحلیلی؛

3. تأثیر علوم انسانی بر فلسفه دین؛

4. بازی های زبانی و کنش گفتارهای دینی؛

5. هرمنوتیک دینی.

(5) کلام به دو معنا وام دار فلسفه دین است. تحقیقات فیلسوفان دینی غالباً در کلام جدید یا به منزله شبهات و مسائل اخذ می شوند و یا به منزله مبانی تلقی می گردند؛ بنابراین، کلام جدید بخشی از رشد خود را مرهون فلسفه دین است و به همین علت بسیاری از مکاتب و مشرب های عمده در الهیات نوین مسیحی متأثر از فیلسوفان دین هستند. توضیح مطلب این است که متألهان و متکلمان در مواجهه با دین پژوهی فلسفی و حاصل تأملات آن ها یکی از دو موضع اقبال و انکار را اخذ می کنند. موضعی که مورد اقبال قرار می گیرد؛ به

منزله مبادی فلسفی در تبیین مسائل کلامی به کار می رود و مواضعی که مورد انکار آن ها واقع می شود، به منزله آرای معارض با باورهای دینی مورد بحث قرار می گیرد و متکلمان چنین آرای را به عنوان مسائل شبهه محور کلامی به میان می آورند تا به نقد و رد آن ها بپردازند.*12*

3 و 4. جامعه شناسی دین و جامعه شناسی دینی

جامعه شناسی دین، از لحاظ روش شناختی، شاخه ای از جامعه شناسی و از نظر موضوع، شاخه ای از دین پژوهی به شمار می رود؛ به عبارت دیگر، جامعه شناسی دین یکی از رشته های دین شناسی معاصر است که به تحلیل دین می پردازد.

موضوع علم جامعه شناسی مطالعه جامعه انسانی در اشکال گوناگون آن است. جامعه شناسان به ساختارها، الگوها و انگیزه هایی که زندگی اجتماعی ما را پایه گذاری می کنند علاقه مند هستند.

جامعه شناسان تمام محدوده های اجتماعی از نهادهای مهم اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و دولت گرفته تا پدیده های اجتماعی مانند جرم، فقر و بی کاری را مطالعه می کنند، هر چیزی که بر زندگی اجتماعی ما اثر بگذارد سرانجام زیر نگاه دقیق جامعه شناسان قرار خواهد گرفت.*13*

مسئله دین هم یکی از پدیده های مهم اجتماعی است که با زندگی انسان ها در آمیخته است و لذا جامعه شناسی دین در عرف علوم اجتماعی، قسمتی از پیکره بزرگ جامعه شناسی است. جامعه شناسی دین اهمیت خود را وام دار دین، به عنوان یکی از ارج مندترین پدیده ها در جوامع انسانی است و اعتبار علمی خود را مدیون نظریه ها، شیوه ها و فنون علم جامعه شناسی، است. اگر دین برای انسان ها ارزش مند و شایسته محافظت و پاس داری است پس باید تلاش کرد تا قبل از هر چیزی ماهیت، فرآیندها و آسیب های آن را به خوبی شناخت، همان گونه که به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای جامعه باید رابطه آن با سایر نهادها مورد مطالعه قرار گیرد و کارکردهای اجتماعی و تأثیرات آن بر رفتارهای افراد، مورد بررسی عالمانه قرار گیرد.*14*

جامعه شناسی دینی هم یکی از شاخه های دین پژوهی است که با جامعه شناسی دین تفاوتی بنیادین دارد؛ در حالی که جامعه شناسی دین تلقی از دین به لحاظ جامعه شناختی است، جامعه شناسی دینی تلقی از جامعه شناسی است به لحاظ دینی؛ یا بهتر بگوییم از موضع یک دین خاص. آن یک شعبه ای است از مجموعه دانش جامعه شناسی ؛ ولی این، بخشی از مجموعه نظریات تشکیل دهنده یک سیستم دینی است. هدف جامعه شناسی دینی پی افکندن طرحی از جامعه مطلوب است بنا بر موازین دینی معین؛ زیرا ادیان بزرگ و شاید بسیاری از دین های دیگر، مدینه فاضله ای را در نظر دارند که مؤمنان باید بسازند یا خواهند ساخت. این جامعه ویژگی هایی دارد و بر مبنای برنامه طراحی شده به وسیله آن دین شکل می گیرد. شناخت این جامعه - گرچه در فرض وجود داشته باشد - جامعه شناسی دینی را پدید می آورد.*15*

5 و 6. روان شناسی دین و روان شناسی دینی

در آغاز قرن دوازدهم میلادی علاقه روزافزونی برای به کارگیری روان شناسی در رفتار مذهبی، تجربه و اعتقادات وجود داشت. در این مقطع فقط حدود دو دهه از عمر روان شناسی می گذشت و هنوز به دنبال پیدا کردن پایگاه مناسبی بود واز ویژگی های این رشته وجود تعدادی مکاتب فکری رقیب بود.*16*

روان شناسی دین همچون دانش هایی مانند انسان شناسی دینی از حیث موضوع، شاخه ای از دین پژوهی است

با این فرق که مطالعه ای روان شناسانه در باب دین است. در روان شناسی تأثیری را که اعمال و اعتقادات دینی بر وحدت شخصی دین داران بر جای می گذارد، مطالعه می کند.*17*

دین به عنوان واقعیت فردی نزد بشر، موضوع قابل تأمل برای روان شناسان است. آنان رفتار دینی را بر اساس قانون مندهای عمومی رفتار، مورد مطالعه قرار می دهند. مفهوم سازی های مختلف از روان شناسی دین وجود دارد؛ به گونه ای که ارائه تعریف مقبول نزد همه روان شناسان، به سادگی ممکن نیست. اشاره به مسائل عمده در این گسترده از دین پژوهی، تصویر روشنی از آن به دست می دهد؛ منشأ و خاستگاه دین، جایگاه دین داری، تحول روان شناختی دین داری، ریخت ها و گونه های دین داری، تجربه دینی و آثار روان شناختی دین داری از مهم ترین مسائل روان شناسی دین است.*18*

روان شناسان دین، روان شناسی را به منزله مبنا در ارائه تفسیر پدیده های دینی اخذ می کنند؛ روان شناسی دینی باورهای دینی را به منزله اصل و منبع قرار می دهد و آن را سنت ایمانی جست وجو می کند.*19*

7 و 8. انسان شناسی دین و انسان شناسی دینی

هر منظومه معرفتی که به بررسی انسان و یا ابعادی از وجود انسان و یا گروه و قشر خاصی از انسان ها می پردازد، می توان انسان شناسی نامید. انسان شناسی گونه هایی چند دارد که به لحاظ روش و یا نوع نگرش، از یکدیگر متمایز می شوند. انسان شناسی را می توان بر اساس روش به انسان شناسی تجربی، عرفانی، فلسفی و دینی تقسیم کرد.*20*

ره یافت مردم شناختی (انسان شناختی) به دین به عنوان یک حوزه یا رشته سازمند، ریشه های عمیقی در فرهنگ غرب دارد. سلسله النسب این امر را می توان به روشنی تا آثار مورخان قوم شناسی یونانی و اخلاف رومی آنان دنبال کرد؛ البته بعضی از جریان های مهم، در اندیشه اروپایی قرن هجدهمی وجود داشته که قائل به تجزّی و گونه گونی فرهنگ ها و سیر متری فرهنگ و دین بوده است. این ترقی گرایی فلسفی، پیش درآمد تکامل گرایی اجتماعی و زیستی قرن نوزدهم بود، که پیش بینی می شد در نظریه های مردم شناختی دین جای گاهی در خور پیدا کند.*21*

همان گونه که میان جامعه شناس دین و جامعه شناسی دینی تفاوت وجود دارد، میان انسان شناسی دین و انسان شناسی دینی تمایز اساسی وجود دارد. آنچه که در بالا اشاره شد، انسان شناسی دین بود که رویکردی انسان شناسانه به دین داشت؛ اما انسان شناسی دینی، به پشتوانگی منابع و متون دینی، و در واقع، بازگو کننده محتوای متون دینی راجع به انسان است؛*22* به عبارت دیگر، در انسان شناسی دینی، مطالعه و شناخت انسان را بر اساس دین در دستور کار دارد. ویژگی هایی را از این نوع انسان شناسی (انسان شناسی دینی) می توان برشمرد که از جمله آن ها، استحکام و قابل اعتماد بودن آن به لحاظ اتصال آن به منبع غیب و وحی است.*23*

9. پدیدارشناسی دین

اصطلاح پدیدارشناسی (Phenomenology) در تاریخ فلسفه کاربردهای مختلفی داشته است. در دائرةالمعارف فلسفه (ویراسته پل ادواردز)، دو معنای متفاوت برای فنومنولوژی ذکر شده است: معنای اول که دیرپاتر و گسترده تر است، هر نوع تحقیق توصیفی درباره موضوعی معلوم را در برمی گیرد. معنای دوم، معنایی است بسته تر و مربوط به قرن بیستم که آن را ره یافتی فلسفی می داند و روش پدیدار شناختی را به کار می برد.*24*

چیزی نگذشت که روش پدیدارشناسی بر همه زمینه های آفرینش های هنری، حقوقی، مذهبی (دین) و... پرتوافکن گشت. پدیدارشناسی دین به وسیله «ماکس شلر، آدولف اوتو، جان هرینگ و جرار دوس وان درلی یو» رونق یافت.

هدف روش پدیدارشناسی، پرداختن به اندیشه ها و کردارها و مؤسسه های مذهبی است، به این شرط که مقاصد و مفاهیم هر یک از این سه نمود دینی ملاحظه گردد؛ بی آن که بر هیچ یک از تئوری فلسفی، کلامی، متافیزیکی و یا روان شناسی صحنه بگذارد و آن را تصویب کند. سه وظیفه مهم در قلمرو متد پدیدارشناسی دین قرار می گیرد:

(1) تحقیق در ماهیت امر الوهیت (قدسی)؛

(2) فراهم کردن تئوری درباره «وحی به» ؛

(3) مطالعه اعمال مذهبی.*25

10. تاریخ ادیان

هر دینی، نقطه آغازی دارد، در برهه ای از تاریخ گسترش می یابد و در مقطعی دیگر چه بسا به انحطاط کشیده شود. در رشد تاریخ ادیان، به تحلیل و بررسی علل و عوامل پیدایش و زایش ادیان و نیز گسترش یا افول آن ها توجه می شود. پی آمدها و دست آوردهای هر کدام از مراحل دین در سیر تاریخ و نقش ادیان در فرهنگ سازی، از دیگر مباحث این محدوده علمی است.*26 نگاه تاریخ به دین و توجه به سیر تاریخی آن در غالب مطالعات دینی لحاظ شده است؛ اما اهمیت و اعتبار نگاه تاریخی به دین، به دلیل صحت و اعتبار آن نیست، بلکه بیش تر به این دلیل است که بر اساس یک فرض اساسی پذیرفته و رایج برای شناخت درست هر چیزی باید از سرگذشت و تاریخ آن آگاه بود؛ به عبارت دیگر، برای شناخت درست هر پدیده ای دانستن منشأ پیدایش آن و تاریخ ظهور و پیدایش آن ضرورت دارد. بر اساس این دیدگاه، معنا و ماهیت دین را تنها در سیر تاریخ آن می توان ارزیابی کرد. از همین رو است که می بینیم مهم ترین آثاری که طبق این ره یافت نگاشته شده، وظیفه عمده خود را بررسی سیر تاریخی دین و تعیین و شناخت منشأ پیدایش آن دانسته و این هدف را دنبال کرده اند.*27

11. دین شناسی تطبیقی

دین شناسی تطبیقی یا مطالعه تطبیقی ادیان در اواخر قرن نوزدهم به عنوان مفهومی مترادف با علم دین رواج یافت. این رشته با به کارگیری روش مقایسه ای در زمینه فرضیه ها فراهم آمده توسط ادیان جهانی در گذشته و حال متمرکز گردید.

به گفته یکی از دانشمندان، وظیفه دین شناسی تطبیقی عبارت است از کنار هم قراردادن ادیان مختلف به منظور بررسی و مقایسه دقیق آن ها. این کار ممکن است موجب ارزیابی معتبری از اظهارات و ارزش های خاص آنان گردد.*28

12. هنر دینی

در این شاخه از دین پژوهی، تأثیر دین در شاخه های مختلف هنری محور بحث است. به نظر می رسد که انواع هنرها از بدوی تا مدرن، پشتیبانی مهم تر از دین نیافته اند. در عوض دین هم سخن گو و شارحی کارآمد از هنرها

در خدمت خود گرفته است. در فرهنگ غربی، ادبیات کم تر از سایر هنرها و موسیقی بیش از همه در دین راه یافته است. و عکس آن در فرهنگ اسلامی رواج یافته و ادبیات مهم ترین رسانه هنری دین، و موسیقی کم اهمیت ترین رسانه بوده است. در اسلام بعد از ادبیات، و در مسیحیت بعد از موسیقی، معماری بیش از سایر هنرها در خدمت دین بوده است. در اسلام به جای مجسمه سازی و نقاشی که ممنوع شمرده می شدند، هنرهای آرایه ای مهمی چون خوش نویسی و تذهیب و کتاب آرایی رشد کرده است.*29*

13. ادبیات دینی

در حوزه های مختلف ادبی هم می توان تأثیر مستقیم باورهای دینی را به روشنی ره گیری کرد؛ البته این تأثیر، گاه منفی و زمانی مثبت بوده است. مثلاً در جهان مسیحیت داستان نویسی از رشد بالایی برخوردار بوده است؛ اما در عالم اسلامی می توان تأثیر مفاهیم و اعتقادات دینی در رشد و بالندگی ادبیات عرفانی، اعم از منظوم و منثور، را مشاهده کرد. تاریخ ادبیات عرفانی در سلام گواهی روشن بر این مدعا است.*30*

پی نوشت ها :

1. فرامرز قراملکی، هندسه معرفتی کلام جدید، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
2. لودویگ ویتگنشتاین، پژوهش های فلسفی، ترجمه فریدون فاطمی، نشر مرکز.
3. احد فرامرز قراملکی، هندسه معرفتی کلام جدید، ص 111.
4. مصطفی ملکیان، اقتراح درباره کلام در روزگار ما، نقد و نظر، ش 9، ص 21.
5. ر.ک: مدخل جدید در علم کلام، جعفر سبحانی، مؤسسه امام صادق، ص 10.
6. ر.ک: محمد مجتهد شبستری، هرمنوتیک، کتاب و سنت، طرح نو، ص 786.
- همو، مدخل الی علم الکلام الجدید، ترجمه جواد علی، علاء زید.
- همو، مجله المنطق، ش 113.
7. اچ.جی هوبلینگ، مفاهیم و مسائل فلسفه نوین، ترجمه حمیدرضا آیت الهی، قبسات، ش 2، ص 68.
8. جان هیک، فلسفه دین، ترجمه بهرام راد، انتشارات بین المللی الهدی، ص 21.
9. انراستامپ، (فلسفه دین)، جستارهایی در فلسفه دین، الوین پلانتینگا و ...، ترجمه مرتضی فتحی زاده، انتشارات اشراق، ص 9.
10. ادوارد ویرنگا، فلسفه دین، ترجمه علی حقی، اندیشه حوزه، ش 35 - 36، ص 84.
11. پل ریکور، گرایش های عمده در فلسفه دین، ترجمه مصطفی ملکیان، نقد و نظر، ش 2، ص 137 - 158.
12. ر.ک: هندسه معرفتی کلام جدی، ص 181 - 186، جزوه درسی کلام جدید، ص 20.
13. جولی اسکات و آیرین هال، دین و جامعه شناسی، ترجمه افسانه نجاریان، نشر، ص 9.
14. دانیل پالس، هفت نظریه در باب دین، ترجمه و نقد محمد عزیز بختیاری، انتشارات مؤسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

برای کسب اطلاع بیش تر مراجعه کنید به: همیلتون، جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ص 1 - 37؛ علی رضا شجاعی زند، دین، جامعه و عرفی شدن، نشر مرکز، ص 143 - 177؛ یواخیم واخ، جامعه شناسی دین، ترجمه دکتر جمشید آزادگان، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ص 5 - 15؛ دکتر مسعود جلالی مقدم، درآمدی به جامعه شناسی دین و آراء جامعه شناسان بزرگ درباره دین، نشر مرکز، ص 1 - 68.

15. درآمدی به جامعه شناسی دین و آراء جامعه شناسان بزرگ درباره دین، ص 12.

برای اطلاع بیش تر ر.ک: حسین کچوئیان، الهیات، جامعه شناس و جامعه شناسی دینی، حوزه و دانشگاه، ش 16 - 17 و 103 - 104.

16. کارل ویلیام، دین و روان شناسی، ترجمه افسانه نجاریان، نشر، ص 21.

17. مایکل پیترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی ترجمه احمد مزاقی و ابراهیم سلطانی، طرح نو، ص 23.

18. احد فرامرز قراملکی، روش شناسی مطالعات دینی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ص 67.

19. رالف هود، تجربه دینی، روان شناسی دین و الهیات (کلام)، تدوین و ترجمه دکتر احد فرامرز قراملکی، قبسات، ش 8 - 9، ص 16.

20. محمود رجبی، انسان شناسی، انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی، ص 16.

21. میرچا الیاده، دین پژوهی، جلد اول، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص 109.

22. احمد واعظی، بحران انسان شناسی معاصر، حوزه و دانشگاه، ش 9، ص 95.

23. ر.ک: احمد واعظی، انسان از دیدگاه اسلام، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه ها (سمت)، ص 17 - 18.

24. پل ادواردز، ما بعدالطبیعه، ترجمه شهرام پازوکی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص 95.

25. یواخیم واخ، ره یافتی به علم دین شناسی در فرهنگ اسلامی، ترجمه سید محمد تقی، دین پژوهان، ش 1، ص 94.

26. محمد تقی فعالی، تجربه دین و مکاشفه عرفانی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص 93.

27. هانس کلیم کیت و...، شناخت دانش ادیان، ترجمه و تدوین همایون همتی، انتشارات نقش جهان، ص 284.

28. اریک شارپ، مطالعه تطبیقی ادیان، ترجمه بهروز جندقی، معرفت، ش 34، ص 26.

29. دین و فرهنگ، ویراسته میرچا الیاده، هیئت مترجمان، طرح نو، ص 2 - 11.

30. تجربه دینی و مکاشفه عرفانی، ص 90 - 91.